

# شور معلمی، شوق یادگیری

فاطمه واحدیان

کاش روزی به آرزوی خود برسید! بچه‌ها آرزوی من این است



## ● تدریس را از چه سالی آغاز کردید؟

○ به نام خداوند جان و خرد / کز این برتر اندیشه برنگذرد . من از ۱۹ سالگی تدریس را شروع کردم . زمانی که در دوره‌ی راهنمایی تحصیل می‌کردم ، از یکی از دبیرهایم به نام خانم حسینی که دبیر ادبیات بودند ، الگو گرفتم . ایشان از نظر اخلاقی و تدریس واقعاً الگو بودند و من علاقه‌ام به رشته‌ی ادبیات از همان‌جا آغاز شد . خانواده‌ام دوست داشتند علوم تجربی بخوانم ، اما خودم به علوم انسانی علاقه داشتم . فکر می‌کنم برای خانم‌ها معلمی ، شغلی مناسب است . در این ۱۳ سال سابقه‌ی کارم ، به‌خاطر علاقه‌ام به ادبیات ، تنها این درس را تدریس کرده‌ام و با وجود آن‌که می‌توانستم به دوره‌ی دیگر بروم ، تنها در دوره‌ی راهنمایی فعالیت کردم .

## ● به این دوره علاقه مند هستید؟

○ من سن نوجوانی را بسیار دوست دارم . نوجوانی مثل فصل بهار است و در نوجوان دائماً دگرگونی‌هایی ایجاد می‌شود . بهار دوباره‌ای در روح و جسم او اتفاق می‌افتد و بسیار به همراهی نیاز دارد . در دوره‌ی نوجوانی ، بچه‌ها شکوفا می‌شوند و به رشد می‌رسند . به نظر من ، اگر در این دوره‌ی تحول سرمایه‌گذاری کنیم و روی آن کار شود ، تحول عمیقی در آموزش و پرورش ایجاد شود . دبیران در این دوره باید بسیار با اطلاع باشند تا بتوانند غذای مناسبی به روح دانش‌آموز دهند . ان‌شاءالله خداوند توفیق دهد تا ما بتوانیم مؤثر باشیم .

## ● شما چه طور این غذا را آماده می‌کنید؟

○ به نظر من شور و عشق معلمی است که می‌تواند در دانش‌آموزان انگیزه ایجاد کند . اگر بخواهیم خلاصه کنیم ، مصداقش کلام شهید رجایی است که : معلمی عشق است و هنر و فداکاری و کسی که بخواهد به دید شغل به آن بنگرد ، باید رهش کند . در این میانه ، من سعی می‌کردم از روش‌های نوین استفاده کنم . یعنی همان شیوه‌ی مشارکتی یاددهی - یادگیری و فعالیت در کلاس و این‌که دانش‌آموز در کلاس با نشاط و فعال باشد و معلم متکلم و حده نباشد . من کلاس‌هایم را بر همان مینا برنامه‌ریزی کرده‌ام و به این ترتیب ، درس‌ها در ذهن دانش‌آموزان

ماناتر شدند و علاقه‌ی بچه‌ها برای یادگیری بالا رفت .

من شیوه‌ی مشارکتی را امتحان کرده‌ام و بازه آن را دیده‌ام . بچه‌هایی که با این شیوه پیش‌رفته‌اند ، یادگیری و نمره‌هایشان بالاتر بوده است . ژان ژاک روسو می‌گوید : «دانش‌آموزی که در اختیار شماست ، چونان ابزار نگارگری و نقاشی است که می‌توانید با آن بهشت را تصویر کنید یا دوزخ را . » من فکر می‌کنم ابزار معلم عشق است و کتاب . معلم باید بتواند اندیشه‌های دور پرواز و احساسات دانش‌آموزان را در قالب کارهای نو به بند بکشد .

● از کتاب گفتید . در مورد کتاب‌خانه‌های کلاسی تان و ساعت‌های کتاب‌خوانی برایمان بگویید .

○ با توجه به آن‌که سهم هر ایرانی کمتر از دو دقیقه مطالعه در روز است ، برای آن‌که روحیه‌ی کتاب‌خوانی در دانش‌آموزان ایجاد شود ، در کلاس با کمک خود بچه‌ها کتاب‌خانه‌ای درست کردیم و با کمک خودشان کتاب‌های آن را هم تأمین کردیم . هر هفته یکی کتاب‌دار می‌شود ، قسمت امانی کتاب‌خانه فعال است . هر دانش‌آموز دو کتاب می‌آورد و آن را در کمد یا قفسه‌ی مشبک گوشه‌ی کلاس قرار می‌دهیم . هر جلسه ۱۰-۵ دقیقه ، بسته به میزان پیشبرد درس‌هایم ، زنگ مطالعه دارم و فضای کلاس کاملاً شبیه فضای کتاب‌خانه است . بعضی از جلسات بچه‌ها خلاصه‌ی آن‌چه را خوانده‌اند ، می‌گویند که خود به افزایش مهارت گفتاری و اعتماد به نفس بچه‌ها کمک می‌کند . البته از شیوه‌های دیگری نیز برای بالا بردن اعتماد به نفس و خلاقیت دانش‌آموزان استفاده می‌کنم .

● از چه شیوه‌هایی استفاده می‌کردید؟

○ معلم باید در دانش‌آموز شوق یادگیری ایجاد کند و شوق یادگیری زمانی به وجود می‌آید که نوآوری و خلاقیت در تدریس وجود داشته باشد . من در ابتدای سال تحصیلی درخواست رابطه‌ی دوستانه و اعتماد می‌کنم . جالب است در پراختز بگویم ، در درس دستور که سنگین و خشک است ، زنگ تغذیه به نام «سلامت» دارم که دانش‌آموز در آن زنگ

**شوق یادگیری  
زمانی به وجود  
می آید که نوآوری و  
خلاقیت در تدریس  
وجود داشته باشد**

عزت السادات فاضل همدانی، دبیر و کارشناس زبان و ادبیات فارسی، ۱۳ سالی است که در دوره‌ی راهنمایی تدریس می‌کند. وی با ابتکار و خلاقیت، در راستای ایجاد شوق و انگیزه‌ی یادگیری در دانش آموز، از تلفیق هنر و ادبیات کمک گرفته است. وی در سال ۱۳۸۶، با توجه به نتایج مثبتی که این رویکرد جدید در آموزش ادبیات داشته است، از مشاور وزیر و مدیر کل «دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی» تقدیرنامه‌ای دریافت کرد. هم‌چنین، تقدیرنامه‌هایی از رییس سازمان آموزش و پرورش شهر تهران و معاون توسعه‌ی مشارکت‌های مردمی وزارت آموزش و پرورش نیز دریافت کرده است. از جمله کارهای وی می‌توان ارائه‌ی مقاله‌های «کاوشی در رفتار و اندیشه‌ی ارزشمند پیامبر اسلام (ص)»، «تأثیر مولانا از رفتار پیامبر (ص)» و «شیوه‌های نوین تدریس» را یاد کرد. برای آشنایی بیشتر با شیوه‌های آموزشی خانم همدانی، با او گفت‌وگویی ترتیب دادیم.

از خود بچه‌ها باشد و چه از طریق اینترنت. در تدریس ضرب‌المثل‌ها از پانتومیم استفاده می‌کنم. حتی گاهی مطالعه‌ی جنبی نیز دارد تا بتواند بهتر نقش را ایفا کند و می‌بینم که با ایجاد اشتیاق ما می‌توانیم به تمامی اهداف آموزشی خود برسیم و حتی فراتر از آن هم برویم.

● آیا در آینده‌ی دانش‌آموزان نیز این‌ها که گفتید نقش دارد؟  
○ بله البته، حس مسئولیت‌پذیری و وقت‌شناسی در آن‌ها تقویت می‌شود و بعضی از اخلاقیات را یاد می‌گیرند. می‌توان ساعت‌ها در قالب جملات قشنگ حرف زد، اما تأثیرش آن‌طور نیست که به عمل درآید. بچه‌ها الگوبرداری می‌کنند و تمام فعالیت‌ها و حرکات ما را زیر ذره‌بین دارند. مهم آن است که اول خودمان درست رفتار کنیم. از همه‌ی این‌ها مهم‌تر، ارتباط صمیمی و محبت‌آمیز بین من و شاگردانم است که باعث ایجاد اعتماد می‌شود و محبت و عشق می‌آورد. یادمان باشد پیش از آن‌که دست ذهن بچه‌ها را بگیریم، دست قلبشان را بگیریم.

● چه پیشنهادی برای همکاران خود دارید؟  
○ مهم‌ترین موضوع عشق است و فکر می‌کنم همیشه همین است که در زندگی ما را پیش می‌برد و ما را موفق می‌کند. از همکاران می‌خواهم از شیوه‌های تدریس جدید و خلاق استفاده کنند. کلاس‌ها را به سمتی ببرند که مبتنی بر شیوه‌ی مشارکتی باشند و کلاس خشک و بدون تعامل نداشته باشند. از جمله، از بازی‌های آموزشی بهره بگیرند. کتاب‌های زیادی را که منتشر شده‌اند مطالعه کنند و با اطلاعات بالایی که دارند، بتوانند معلم، راهنما و مشاور خوبی برای بچه‌ها باشند. پرورش اعتماد به نفس عامل مهمی است. اگر دانش‌آموز به اعتماد به نفس کافی نرسد، هیچ‌گاه نمی‌تواند خود را مطرح کند و اگر اعتماد به نفس نباشد، فکرهای خلاق آن‌ها در نطفه خفه می‌شوند. ابتدا باید بچه‌ها را به عزت نفس برسانیم و آن را پرورش دهیم و کاری کنیم که بزاق ذهن آن‌ها ترشح شود و احساس نیاز کنند تا بتوانند، برای پاسخ به گرسنگی ذهنشان بکوشند.

می‌تواند تا ۱۰ دقیقه تغذیه کند، اما تنها میوه. من برای انشا موضوع نمی‌دهم. تصویر می‌دهم و آن‌ها با تصویر کار می‌کنند. از نوشتن جمله‌های کلیشه‌ای منعشان می‌کنم. از نظر دستوری آن‌طور که دوست دارند، می‌نویسند. به آرایه‌ها نمره‌ی خاصی اختصاص نمی‌دهم، ولی آن‌ها را توضیح می‌دهم. انشاها حتماً نباید مقدمه، متن و نتیجه داشته باشند و به این ترتیب، راه برای خلاقیت بچه‌ها باز است.

در تدریس فارسی از روش کارایی تیم، روش قضاوت عملکرد، روش بحث گروهی، روش ایفای نقش و تفکر استقرایی کمک می‌گیرم. من از تلفیق هنر و ادبیات برای بارور کردن خلاقیت دانش‌آموز استفاده کردم. از آن‌ها به جای آن‌که بخواهم شعر را حفظ کنند و یا با سختی معانی آن را به یاد بسپارند، می‌خواهم مفهوم شعر را بعد از آن‌که درس دادم در کلاس بکشند.

● یعنی تصویرسازی کنند؟  
○ بله یکی از داستان‌های کلیله و دمنه هست که دومین سال اجرای آزمایشی آن است. من خواستم بچه‌ها آن را به کتاب تبدیل کنند و متن مطابق با تصویر باشد. به این ترتیب، شناس‌نامه‌ی کتاب را نیز به دانش‌آموز یاد دادم. حتی دانش‌آموزان، شعر مرحوم قیصر امین‌پور را نیز به شکل کتاب با تصویرهای مناسب درآورده و آن را حفظ شده‌اند. چرا که معمولاً، آن‌چه که با علاقه و عشق یاد گرفته‌ایم و خاطره‌ی خوشی از آن داریم، بیشتر در ذهن ما می‌ماند. البته بگویم که تمام این کارها در کلاس انجام می‌گیرند و با بردن کار و تکلیف به خانه مخالفم، من کارهای ضعیف نیز دارم، اما هیچ‌گاه دانش‌آموزان را مقایسه نمی‌کنم و هر کس را در حد استعداد و توانمندی خودش می‌سنجم.

● چه طور می‌توانید به این روش ارزش‌یابی کنید؟  
○ بچه‌ها گروه‌بندی می‌شوند و گروه‌های نمایشی را تعیین می‌کنیم. برای اجرای مثلاً هفت‌خوان رستم، هم‌زمان از تصویرهای شاهنامه هم استفاده می‌کنیم؛ حالا چه طراحی